

بازتاب حضور و فعالیت‌های پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و دریای سرخ در بدائع الزهور ابن یاس

احمدرضا متولی^۱

مهدی عبادی^۲

چکیده: کشف دماغه امیدنیک در سال ۹۰۳ق/۱۴۹۸م. پیامدهای متعددی برای جهان اسلام و به‌ویژه سرزمین مصر داشت. ابن یاس مورخ مصری معاصر با این رخدادها، در بخش‌هایی از *بدائع الزهور فی وقایع الدهور*، ضمن بیان رویدادهای سرزمین مصر و قلمرو ممالیک، به شرح فعالیت‌های پرتغالی‌ها و درگیری‌های آنها با ممالیک و همچنین تأثیر این تحولات بر اقتصاد مصر پرداخته است. مقاله حاضر در پی بیان پاسخ این سؤال است که فعالیت‌ها و اقدامات پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و دریای سرخ، در *بدائع الزهور* چگونه بازتاب داشته است؟ بنا بر یافته‌های این پژوهش که با اتکا بر روش خوانش رویداد از منظر مورخ واحد انجام گرفته، گزارش‌های متعدد ابن یاس از رخدادها و تحولات جامعه مصر و دولت ممالیک به موازات فعالیت‌های پرتغالی‌ها در این زمان، نشان می‌دهد که او به تأثیر مخرب عوامل خارجی بر روند تحولات اقتصادی و سیاسی قلمرو ممالیک آگاهی داشت. ابن یاس با آگاهی از این تحولات، تشدید بحران‌های داخلی و تضعیف اقتصادی مصر در اواخر دوره ممالیک برجی را ناشی از حضور پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و تسلط آنها بر آبراه بازرگانی دریای سرخ می‌داند.

واژه‌های کلیدی: ابن یاس، بدائع الزهور، پرتغالی‌ها، ممالیک برجی، اقیانوس هند، دریای سرخ.

10.22034.17.65.1

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). motavalli@pnu.ac.ir

ORCID: 0000-0003-1092-2589

mebadi@pnu.ac.ir

ORCID: 0000-0003-2746-1248

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Reflection of the Portuguese Presence and Activities in the Indian Ocean and the Red Sea in *Badā'i' al-zuhūr* by Ibn Iyās

Ahmadreza Motavalli¹
Mahdi Ebadi²

Abstract: The discovery of the Cape of Good Hope in 903 AH/1498 AD had far-reaching consequences for the Islamic world, particularly for Egypt. Ibn Iyās, a contemporary Egyptian historian, describes in various sections of his chronicle *Badā'i' al-zuhūr fī waqā'i' al-duhūr* the events of Egypt and the Mamlūk realm, elaborating on the activities of the Portuguese, their clashes with the Mamlūks, and the effects of these developments on Egypt's economy. This article seeks to answer the question: How are the Portuguese activities in the Indian Ocean and the Red Sea reflected in *Badā'i' al-zuhūr*? Through a contextual analysis of events from the perspective of a single historian, the study finds that Ibn Iyās's numerous reports on developments in Egyptian society and the Mamlūk state parallel the Portuguese expansion and reveal his awareness of the destructive influence of foreign powers on the political and economic stability of the Mamlūk dominion. He attributes the intensification of internal crises and the economic decline of Egypt during the late Burjī Mamlūk period to the Portuguese presence in the Indian Ocean and their control over the maritime trade routes of the Red Sea.

Keywords: Ibn Iyās, *Badā'i' al-zuhūr*, Portuguese, Burjī Mamlūks, Indian Ocean, Red Sea.

doi 10.22034.17.65.1

1. Assistance Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran (*Corresponding Author*). motavalli@pnu.ac.ir ORCID: 0000-0003-1092-2589
2. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran. mebadi@pnu.ac.ir ORCID: 0000-0003-2746-1248

Receive Date: 2025/03/05 Accept Date: 2025/08/01

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

عبور پرتغالی‌ها از دماغه امیدنیک در سال ۹۰۳ق/۱۴۹۷م. و رسیدن به سواحل هند حدود سال ۹۰۴ق/۱۴۹۸م، یکی از اکتشافات مهم تاریخی در عصر موسوم به «اکتشافات جغرافیایی»^۱ است که در عین حال، نقشی مهم در تحولات جهانی ایفا کرد. این اکتشاف اگرچه سبب تقویت بنیان اقتصاد پرتغال و رقابت کشورهای اروپایی برای دست‌اندازی به ملت‌های ضعیف در اقیانوس هند و دیگر ملل آسیایی شد، اما عواقب ناگواری را برای برخی سرزمین‌ها و به‌ویژه مصر در پی داشت. مصر که به خاطر موقعیت ممتاز جغرافیایی، حلقه واسط بین جهان شرق و غرب بود^۲ و منبع نخست درآمدش در عصر ممالیک، تجارت و به‌خصوص تجارت خارجی بود (عاشور، [بی‌تا]: ۳۱۳؛ متولی، ۱۴۰۲: ۷۴-۸۹) و بازرگانان پس از کارگزاران دولتی در طبقه دوم اجتماعی قرار داشتند (مقریزی، ۱۹۸۰: ۱۱۱)، متحمل صدمات شدید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد. با کشف دماغه امیدنیک و انتقال کالاها از این مسیر به غرب و از رونق افتادن مسیر مصر و به تبع آن حذف عوارض گمرکی و همچنین واسطه‌گری و احتکار توسط دولت مملوکی، آنان از حق ترانزیت کالاها و به‌ویژه ادویه محروم شدند و ضربه‌ای شدید بر بنیان اقتصاد مصر و دولت ممالیک برجی وارد شد. بی‌دلیل نیست که محروم ساختن ممالیک از درآمدهای سرشار بازرگانی توسط پرتغالی‌ها را نوعی جنگ صلیبی اقتصادی ذکر کرده‌اند که سرانجام به شکست ممالیک از عثمانی‌ها انجامید (عبدالداائم، ۱۹۹۶: ۱۶۵). با توجه به اهمیت مسئله حضور پرتغالی‌ها در مناطقی از جهان اسلام و تأثیرات آن بر حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مصر موطن ابن‌ایاس، به‌طور قطع گزارش وی از این تحول به عنوان یک ناظر و شاهد تحولات این دوره، می‌تواند حائز اهمیت ویژه‌ای باشد. بر این اساس، در این مقاله به بررسی گزارش ابن‌ایاس در بدائع الزهور فی بدائع الدهور، درباره حضور و فعالیت پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و دریای سرخ و درگیری‌های

1. Age of geographical discoveries.

۲. اگرچه مصر در نقطه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا قرار داشت و از دیرباز به عنوان شاهراه بازرگانی شرق و غرب مطرح بوده است (ویت، ۱۳۶۵: ۹۹)، اما در دوره ممالیک بحری (۶۴۸-۷۸۴ق) با هجوم مغولان به جهان اسلام و در خطر افتادن مسیر بازرگانی خشکی (ابن‌اثیر، ۱۴۰۲: ۱۲/۳۵۸-۳۹۴)، راه دریایی که از دریای سرخ یا مناطق تحت حاکمیت ممالیک می‌گذشت، اهمیت ویژه‌ای یافت و به همین دلیل چندین قرارداد تجاری بین ممالیک بحری و دولت‌های اروپایی منعقد شد (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۶۲/۴؛ هاید، ۱۹۸۵: ۲۸۶-۲۹۸). در دوره ممالیک برجی، یورش تیمورلنگ و پیامدهای ویرانگر آن در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری و همچنین ناامنی دوباره راه‌های بازرگانی ایران و عراق، رونق مسیر دریای سرخ و مصر را در پی آورد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۳).

آنها با ممالیک و مسدود کردن راه تجاری اقیانوس هند به مصر و همچنین تبعات آن بر مصر و حکومت ممالیک برجی، پرداخته شده است.

آنچه بررسی چنین پژوهشی را به مثابه یک مسئله ضرورت می‌بخشد، این است که کم و کیف گزارش‌های ابن‌ایاس درک و فهم زمانی و تاریخی یک مورخ محلی و مسلمان از تحولات درون و بیرون قلمرو ممالیک، تحت تأثیر تحولات عصر اکتشافات جغرافیایی جهانی را نشان می‌دهد. درواقع، می‌توان با بررسی گزارش‌ها و بینش ابن‌ایاس از حضور و فعالیت‌های پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و دریای سرخ، به درک و خودآگاهی این مورخ و به واسطه آن جوامع مسلمان (و در اینجا سرزمین مصر) و تبعات ناشی از آن پی برد. از این رو، در مقاله حاضر تلاش شده است با استفاده از خوانش رویداد از منظر مورخ واحد، گزارش‌های ابن‌ایاس درباره روند حضور و فعالیت پرتغالی‌ها در مناطق مذکور، بازخوانی شود و ضمن آن، درک و فهم وی از تبعات ناشی از حضور پرتغالی‌ها در قلمرو ممالیک، به‌ویژه مصر تبیین شود. گفتنی است در روش مطالعاتی تاریخی خوانش رویداد از منظر مورخ واحد، سعی می‌شود رخدادهای یک دوره براساس گزارش‌ها بررسی شود؛ به گونه‌ای که بینش تاریخ‌نگرانه وی نیز در خلال آن گزارش‌ها تبیین و تشریح گردد تا بدین طریق حتی‌المقدور ذهنیت و فهم او از رخدادهای تاریخی معاصرش تبیین و ترسیم شود. اگرچه در برخی پژوهش‌های پیشین به ابعادی از این مسئله توجه شده، یا در مطالعات مربوط به حضور پرتغالی‌ها در جهان اسلام، از گزارش‌های ابن‌ایاس به مثابه یک منبع و مرجع تاریخی استفاده شده، اما اغلب به صورت مستقل بدان پرداخته نشده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب *تحول التجارة العالمية إلى رأس الرجاء الصالح على مصر و عالم البحر المتوسط اثناء القرن السادس عشر*، نوشته فاروق عثمان اباطه [بی‌تا]، *التحولات الاقتصادية في مصر اواخر العصور الوسطى*، نگاشته محمد فتحی الزامل (۲۰۰۸م)، *العلاقات التجارية بين مصر و الهند* نوشته حسین علی طحطوح (۱۴۰۱ق) و مقاله «کشف دماغه امینیک و تأثیر آن در اقتصاد مصر دوره ممالیک برجی» نوشته احمد رضا متولی (۱۴۰۲ش) اشاره کرد. همچنین عبدالرسول خیراندیش در مقاله «پرتغالی‌ها و اقتصاد دریایی ایران» به پیامدهای حضور پرتغالی‌ها در حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند پرداخته است.

ابن‌ایاس، آثار و تاریخ‌نگاری او در بدائع‌الزهور

ابوالبرکات محمدبن‌ایاس^۱ حنفی (۸۵۲-۹۲۸ق)^۲ از مورخان مشهور مصری در اواخر دوران ممالیک برجی (۷۸۲-۹۲۳ق) محسوب می‌شود. پدرش احمد از وابستگان دولت و جدش ایاس فخری از ممالیک ظاهر برقوق (حک: ۷۸۴-۸۰۱ق.) بوده و در دربارش منصب دبیری داشت (زرکلی، ۱۹۸۰: ۵/۶). گزارش‌های وی دربارهٔ اواخر دوره ممالیک برجی و تسلط عثمانی‌ها بر مصر، از آن بُعد که خود از نزدیک شاهد رخدادها بوده و یا از افراد موثق شنیده، حائز اهمیت بسیار است^۳ (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۱۲/۱).

بدائع‌الزهور فی وقایع الدهور ابن‌ایاس مهم‌ترین اثر تاریخی او در اواخر دوره ممالیک است. ابن‌ایاس در این اثر به شرح رویدادهای مصر از روزگار قدیم تا زمان نزدیک به درگذشت خود در سال ۹۲۸ق. پرداخته است. با این اوصاف، بررسی محتوا و متن این اثر نشان می‌دهد که ابن‌ایاس رویدادهای قدیم مصر تا پایان دورهٔ ایوبیان را عمدتاً به صورت گذرا بیان کرده، اما رخدادها را مربوط به دوران ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ق) را با تفصیل و شرح جزئیات آورده است. در این میان، می‌توان گفت قسمت مهم بدائع‌الزهور، شرح رخدادها و اواخر دوره ممالیک برجی است که یا خود شاهد آنها بوده و یا از افراد موثق شنیده است؛ چنان‌که محمد مصطفی در مقدمه این اثر آورده: «ابن‌ایاس به درستی توجه داشت و در نقل روایت‌ها و گزارش‌ها، امانت علمی را رعایت و از زیاده‌گویی دوری می‌کرد» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۸/۱). دربارهٔ شیوه تاریخ‌نگاری ابن‌ایاس می‌توان گفت که او تا حدود زیادی در گزارش‌های خود به تمامی وقایع و رخدادها توجه داشته و علاوه بر رویدادهای سیاسی، از موضوعات اجتماعی و اقتصادی نیز غافل نبوده و حتی گاهی با جزئیات به شرح آنها پرداخته است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۵۴۵/۱، ۸۳/۲). او که بدائع‌الزهور را به روش

۱. در گویش عامیانه ایاس (فکرت، ۱۳۸۳: ۴۴/۴).

۲. دربارهٔ سال وفات اختلاف نظر وجود دارد. حاجی‌خلیفه سال وفات ابن‌ایاس را ۹۳۰ق. ذکر کرده است (حاجی‌خلیفه، ۱۹۵۳: ۳۸۰/۲).

۳. ابن‌ایاس آثار متعددی دارد که عبارت است از: *نشق الأزهار فی عجائب الاقطار* که محتوای آن نجوم و جغرافیا و به‌ویژه جغرافیای مصر است (فروخ، ۱۹۸۴: ۹۳۵/۳). اثر دیگر او *جواهر السلوک فی الخلفاء و الملوک* نام دارد که خلاصه‌ای از تألیفات دیگر او و به‌ویژه بدائع‌الزهور است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۸/۱). اثر دیگر ابن‌ایاس *نزهة الامم فی العجائب و الحکم* نام دارد که مؤلف به تاریخ و جغرافیا و شگفتی‌های سرزمین مصر و همچنین ویژگی‌های اخلاقی و روایات مردم آن پرداخته است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۱۱/۱). بر این اساس، ابن‌ایاس را می‌توان مورخی برجسته، پرکار و پرنالیف دانست که در یکی از اعصار مهم تاریخ اسلام و سرزمین مصر، آثار خود را نگاشته است.

سال‌شمار و به همان شیوهٔ مرسوم روایی تدوین و ارائه کرده، از روش ابن‌جوزی در *المنتظم*، برای بیان رخداد‌های اجتماعی و اقتصادی پیروی کرده است. وی ابتدا به بیان موضوعات سیاسی چون به قدرت رسیدن سلطان، عزل و نصب‌ها، موضوعات اجتماعی و اقتصادی چون وفات و مراسم و جشن‌ها، وقوع بلایا و بیماری‌ها، گرسنگی، افزایش و کاهش قیمت‌ها، آشوب‌ها، وضعیت سکه‌ها و نقود، بنای مدارس و مساجد و سپس رخداد‌های طبیعی چون خسوف و کسوف، خشکسالی و وضعیت آب نیل و وقوع توفان و باران پرداخته (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۴۵/۱-۵۰، ۷۰۵-۷۰۷ و جاهای دیگر) و از شیوهٔ ابن‌جوزی در *نگارش المنتظم*، حتی در ترتیب بیان رخدادها نیز تبعیت کرده است (الخالدی، ۱۹۷۴: ۲۸۰). ارتباط نزدیک ابن‌ایاس با کارگزاران دولت ممالیک برجی و دوستی وی با آنان و شنیدن یا دریافت اخبار و گزارش‌ها از زبان افراد صاحب‌نفوذ و مطلع از اوضاع دربار (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۱۸/۳)، سبب افزایش اعتبار و ارزش اثر او شده است؛ به‌ویژه اخباری چون فعالیت پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و دریای عمان و دریای سرخ که دریافت اطلاعات در این زمینه، بیشتر از طریق کارگزاران دولتی ممکن بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۸۲/۴-۱۸۳).

ابن‌ایاس و فعالیت‌های پرتغالی‌ها در اقیانوس هند (۹۰۴-۹۲۸ق)

نخستین گزارشی که ابن‌ایاس درباره پرتغالی‌ها ارائه داده، مربوط به ربیع‌الآخر ۹۱۱/ سپتامبر ۱۵۰۵ است که به دستور سلطان مملوکی قانصوه الغوری (۹۰۷-۹۲۲ق)، سپاهی آماده شد تا برای مقابله با تهاجم پرتغالی‌ها^۱ به سواحل هند اعزام شود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۸۲/۴). بنا بر گزارش ابن‌ایاس، دو ماه بعد هر یک از افراد این سپاه با دریافت پنجاه دینار -مشمول بر پول و سایر ملزومات مورد نیاز- با بدرقهٔ انبوهی از مردم قاهره عازم سوئز شدند تا گروهی از آنان به ساختن برج و استحکامات بندر جدّه بپردازند و گروهی هم روانه هند شوند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۸۴/۴). نکتهٔ قابل توجه این است که ابن‌ایاس این گزارش را هفت سال پس از رسیدن پرتغالی‌ها به سواحل هند (۹۰۴ق/۱۴۹۸م) و انتقال کالا از هند به اروپا، ارائه داده است. تأخیر در ارائهٔ گزارش فعالیت پرتغالی‌ها، به علت عدم اطلاع نویسنده از حضور آنان پیش از سال ۹۱۱ق. نبوده است؛ زیرا پس از نخستین انتقال کالا از سواحل هند به اروپا، تأثیر آن بر اقتصاد مصر مشهود

۱. ابن‌ایاس با عنوان فرنگی‌ها از آنان یاد کرده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۸۲/۴).

بود (اباضه، [بی‌تا]: ۴۵) و پس از تکرار این انتقال، دولت ونیز که روابط بازرگانی گسترده‌ای با مصر داشت، در سال ۹۰۸ق/۱۵۰۲م. نمایندگانی را برای هماهنگی با ممالیک، به منظور مقابله با پرتغال که اقدام به انتقال کالا از مسیری غیر از مصر کرده بود، به قاهره اعزام کرد (العریس، ۲۰۰۶: ۳۰۶؛ الزامل، ۲۰۰۸: ۱۶۶) و حتی در همین سال (۹۰۸ق) ناوگان پرتغال وارد دریای سرخ شد و بندر جدّه را مورد هجوم قرار داد (یحیی بن حسین، ۱۹۶۸: ۶۳۰). از این رو، به نظر می‌رسد ابن‌ایاس که به‌طور پیوسته با دربار و درباریان ممالیک در ارتباط بود و تأثیر مسدود شدن راه بازرگانی هند به مصر نیز بر بازار قاهره مشهود بود، از اخبار مربوط به این تحولات بی‌اطلاع نبوده است.

با توجه به اینکه تا سال ۹۱۱ق. به‌رغم ورود و حضور پرتغالی‌ها در اقیانوس هند، ورود کالاهای تجاری از اقیانوس هند به مصر تا این زمان بدون مشکل خاصی استمرار پیدا کرده بود و یا پرتغالی‌ها مانعی جدی در این روند تا این زمان به وجود نیاورده بودند و به تبع آن، بحران اقتصادی ناشی از حضور پرتغالی‌ها بر اقتصاد مصر به صورت جدی آشکار نشده بود، ابن‌ایاس از آوردن این رخداد مهم تا این زمان چشم‌پوشی کرده و یا دست‌کم آنها را تا بدان حد مهم تلقی نکرده که در رخدادهای تاریخی مدّ نظر خود، در گزارش‌هایش در بدائع‌الزهور برشمارد. با این اوصاف، هنگامی که پرتغالی‌ها ورود کالا به مصر را کاملاً مسدود کرده بودند و به تبع آن، گرانی و بحران اقتصادی نمایان شد، شرایط در این زمینه دگرگون گردید؛ تا جایی که ابن‌ایاس درصدد انعکاس اخبار مربوط به آن در این اثر تاریخی خود برآمد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۸۲/۴). به دنبال این تحولات، با تحرکات بیشتر پرتغالی‌ها برای تهدید بیشتر منافع ممالیک و سرزمین مصر و به تبع آن تأثیرات منفی و مخرب آن بر اوضاع اقتصادی این سرزمین، بر شمار گزارش‌های ابن‌ایاس افزوده شد؛ چنان‌که در ماه صفر سال ۹۱۲، به درگیری بین سپاهیان مصری و پرتغالی اشاره کرده که طی آن پرتغالی‌ها وارد بندر ینبع^۱ شدند و به تخریب آن پرداختند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۹۵/۴-۹۶). همچنین در ذی‌الحجه همین سال (۹۱۲ق)، در گزارشی به ضربات خسارت‌بار کشتی‌های پرتغالی بر کشتی‌های حامل کالاهای در حال انتقال از هند به مصر و به غارت بردن آنها و تأثیر آن بر افزایش قیمت‌ها و ایجاد بحران اقتصادی پرداخته و بزرگ‌ترین علت این

۱. در منطقه تهمه و در ساحل دریای سرخ که به خاطر داشتن چشمه‌های زیاد به این نام معروف است (باقوت حموی،

مشکلات در قلمرو ممالیک و مصر را حملات فرنگی‌ها که همان پرتغالی‌ها بودند، بیان کرده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۰۹/۴). به‌طور کلی محتوای سخن و گزارش ابن‌ایاس نشان‌دهنده بروز مشکلات اقتصادی در مصر در این مقطع تاریخی مهم است. از این رو، ابن‌ایاس از منظر خود و بنا بر برداشت خود، به بررسی تحولات و روند آنها پرداخته و به شکل قابل توجهی علت بحران پدیدآمده در مصر را کشف مسیر جدید دریایی از اروپا به هند معرفی کرده است؛ اگرچه گزارش نادرستی درباره چگونگی عبور فرنگیان از دماغه امیدنیک ارائه داده است: «فرنگی‌ها موفق شدند از سدی که اسکندر بین دریای چین و روم ساخته بود، با زدن نقبی در مدت دو سال، عبور کنند و در دریای حجاز حضور یابند» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۰۹/۴). همچنین ابن‌ایاس در بیان رویدادهای ۹۱۴ق، به افزایش هزینه‌ها، کمیاب شدن نان و گرانی شدید و قحطی اشاره کرده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۳۹/۴). او اگرچه علت این مشکلات اقتصادی را بیان نکرده، اما علت را باید در تسلط پرتغالی‌ها بر آبراه‌های تجاری و جلوگیری از انتقال کالاها از مسیر مصر به اروپا دانست.

«نبرد دیو»^۱ در بدائع الزهور فی وقایع الدهور

ابن‌ایاس پس از ارائه گزارش گرانی و قحطی، به درگیری سپاهیان مصر و پرتغال و پیروزی مصریان و اسارت ۲۷ نفر از پرتغالی‌ها و شادمانی سلطان مملوکی (۹۱۴ق) اشاره کرده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۴۲/۴). بنا بر گزارش ابن‌ایاس، پس از این پیروزی، امیرحسین فرمانده سپاهیان مملوکی، درخواست کمک کرد و ممالیک در بندر «طور» اقدام به ساختن کشتی‌های جنگی کردند (همو، ۱۴۰۴: ۱۵۱/۴)، اما براساس گزارش این مورخ، تلاش ممالیک در این باره بی‌تأثیر بود و سپاهیان مصر این بار در جنگ با پرتغالی‌های مجهز، متحمل شکست ناگواری شدند و سپاهیان جان خود را از دست دادند و کشتی‌هایشان نیز به غارت رفت (همو، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۴). نکته قابل توجه این است که ابن‌ایاس در گزارش خود، عنوانی به این جنگ نداده، اما منظور او از شکست مذکور که در وقایع سال ۹۱۵ق/۱۵۰۹م. از آن یاد کرده و گذرا از کنار آن عبور کرده، جنگ دیو است که طی دو مرحله در سواحل هند رخ داد. رویارویی نخست به پیروزی سپاه ممالیک انجامید، حال آنکه جنگ دوم شکست سنگین نیروهای ممالیک را در پی داشت؛

جنگی که به سیادت دریایی پرتغال و قطع کامل انتقال کالا از هند به مصر در این زمان منجر شد (العبادی، ۱۹۶۸: ۲۶۷)؛ و پس از آن بازارهای قاهره و اسکندریه از کالاهای تجاری هند خالی گردیدند و به دنبال این تحول، مصر از دریافت مالیات گمرکی محروم شد (طحطوح، ۱۴۰۱: ۱۳۰)؛ مالیاتی که تا ۲۰٪ درصد از بهای کالا را شامل می‌شد و بخش عمده‌ای از درآمد ممالیک، از مالیات عبور کالا بود (گلاب، ۱۳۸۶: ۴۸۶، ۴۹۵). گفتنی است یکی از نتایج شکست در جنگ دیو، هجوم پرتغالی‌ها به عدن و سیطره آنها بر دریای سرخ بود (قاسم عبده، ۱۹۹۸: ۱۵۳) و در نهایت آنکه برخی نبرد مذکور را یکی از علل مهم سقوط ممالیک برجی می‌دانند (مصطفی عبدالعظیم و ابوالوفا محمد، ۲۰۲۱: ۷۰). با وجود اهمیت بسیار زیاد نبرد دیو، ابن‌ایاس چندان توجهی بدان نداشته است. هرچند شیوه مرسوم وی تحلیل رخدادها نیست، اما از تفصیل جنگ دیو هم خودداری کرده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۴).

رخدادها و تحولات پس از «نبرد دیو» از منظر ابن‌ایاس

پابن‌ایاس اطلاعاتی درباره تحولات قلمرو ممالیک و البته پایتخت این دولت در قاهره ارائه داده که در فهم رخدادها و منتهی به برافتادن این سلسله حائز اهمیت است. بنا بر گزارش او، بحران اقتصادی و خزانه خالی ممالیک سبب شد تا سلطان قانصوه غوری (۹۰۷-۹۲۲ق) توان پرداخت مقرری سپاهیان را نداشته باشد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۴). از این رو، سپاهیان روی به خانه امرا نهادند تا از طریق آنان درخواست‌هایشان را به سلطان انتقال دهند. پس از مخالفت سلطان، سر به شورش برداشتند و بازارهای قاهره را عرصه تاخت‌وتاز و غارت قرار دادند. این شورش‌های مکرر نظامیان، گاهی تنها با قتل تعدادی از آنان پایان می‌یافت (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۴-۱۷۹)، بی‌آنکه نظامیان به خواسته‌شان برسند؛ اگرچه سلطان در اندیشه تأمین منابع مالی و درصدد برآوردن خواسته‌های ممالیک شورش بود و به همین دلیل به منظور احیای درآمد گمرکی و مقابله با پرتغالی‌ها، برای تعدادی از سلاطین هند نامه‌هایی ارسال کرد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۸۴/۴)، اما نتیجه‌ای در پی نداشت (۹۱۶ق). با این وصف، احتمال شورش و ضرورت توجه به خواسته‌های نظامیان، دولت ممالیک را برآن داشت تا در سال ۹۱۷ق. به مصادره اموال صاحبان ثروت دست بزنند و حتی به موقوفات هم دست‌اندازی کند. مصادره‌ها چنان گسترده بود که ابن‌ایاس آن را بی‌سابقه شمرده و با سرودن اشعاری به ستم نسبت به مردم و غیرشرعی بودن اقدام حکومت

اشاره کرده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۰۴/۴-۲۰۹). با وجود مصادرهٔ بسیار و کمک به نظامیان، خواسته‌های آنان برآورده نشد؛ به همین دلیل آنان به بازارهای قاهره هجوم بردند و تنها پس از وعدهٔ پرداخت ۵۰ دینار به هر نفر، دست از شورش برداشتند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۲۵/۴). به‌رغم این وعده، به دلیل اینکه دولت توان پرداخت همین مبلغ وعده داده شده را هم نداشت و اقدام به فروش املاک دولتی و اموال وقفی و گرفتن پول از بازاریان و بازرگانان کرد، باز هم نتوانست به همهٔ نظامیان مبلغ ۵۰ دینار را بپردازد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۳۱/۴، ۲۳۴)؛ درحالی‌که پیش از مسدود شدن مسیر انتقال کالا به مصر، مبالغی بیش از این به سپاهیان پرداخت می‌شد که منابع مختلف به آن اشاره کرده‌اند (مقریزی، ۱۹۹۷: ۳۹۲/۷؛ ابن‌صیرفی، ۱۴۱۸: ۵۴؛ قس: ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۲، ۲۶۹/۳-۲۷۰).

ابن‌ایاس در بیان رخداد‌های سال ۹۱۸ق، به حادثه شدن بحران اقتصادی اشاره کرده و همچنین بیان کرده که امیرحسین یکی از فرماندهان ناوگان مصر که در نبرد دیو جان به سلامت برد، پس از سال‌ها به همراه فرستاده‌ای از سوی یکی از حاکمان هند، برای اعلام همکاری به قاهره برگشت (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۹۵/۴). عدم دریافت مقرری توسط سپاهیان، سبب شد تا در هر کوی و برزن بر مردم هجوم ببرند و دارایی‌شان را تصرف کنند و حتی از لباس‌شان هم نگذرند. براساس گزارش ابن‌ایاس، مصادرهٔ اموال همچنان ادامه داشت و دولت ممالیک میزان مالیات دریافتی از کشاورزان و بازاریان را نیز افزایش داد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۴۲/۴). افزون بر آن، زودتر از هنگام برداشت محصول، از کشاورزان مالیات مطالبه می‌کرد. سخت‌گیری و در تنگنا قرار دادن کشاورزان باعث گریز آنان از روستاها و رها کردن زمین‌های کشاورزی شده بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۶۲/۴). روشن است که رها کردن زمین و گریز از کشاورزی، در بروز بحران اقتصادی و ایجاد نارضایتی تأثیر ناگواری بر دولت و مردم داشته است. مشابه این رخداد، یعنی فرار کشاورزان و وقوع بحران اقتصادی، در نیمهٔ نخست قرن نهم قمری بارها در مصر اتفاق افتاد (مقریزی، ۱۹۹۷: ۲۶۶/۷-۲۷۲؛ همو، ۱۹۹۸: ۴۱/۱۵-۵۸).

دقت نظر ابن‌ایاس در بیان و گزارش مسائل پیش‌آمده از بحران اقتصادی دامنگیر دولت ممالیک و جامعهٔ مصر در این زمان، قابل توجه است. عدم حل مشکلات اقتصادی با وجود اقدامات متعدد، سبب شد تا دولت به ضرب سکه‌های جدید «فلوس» روی آورد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۵۰/۴). جمع‌آوری سکه‌های رایج در بازار و ضرب سکه‌های جدید در گذشته نیز با

هدف تأمین منابع مالی انجام می‌شد. سکه‌های رایج که ارزش بیشتری داشتند، جمع‌آوری و به جای آن سکه‌های جدید با عیار و خلوص کمتر ضرب می‌شد (ابن تغری بردی، [بی‌تا]: ۲۹۱/۲-۲۹۶، ۳۱۰-۳۱۲؛ ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۲۱/۳، ۱۶۷؛ نبرای، ۱۹۹۶: ۲۳۱، ۲۶۰، ۲۹۹)؛ عملی که سبب زیان مردم و افزایش بهای کالاها در هر بار ضرب سکه جدید می‌شد؛ چنان‌که ابن‌ایاس نیز به افزایش قیمت کالاها پس از ضرب سکه جدید اشاره کرده (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۵۱/۴) و گزارش داده است که در همین سال (۹۱۸ق) دولت دو بار اقدام به ضرب سکه کرده که پیش از این سابقه نداشت، اما باز هم قادر به پاسخ به درخواست‌های نظامیان نبوده و آنان به روال مرسوم به بازارها هجوم می‌بردند و مغازه‌ها را غارت می‌کردند و حتی در روز عید قربان با هجوم به خانقاه‌ها گوسفندان و سایر کالاهای آنجا را ربودند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۹۱/۴، ۲۹۵). با وجود اقدامات مختلف ممالیک برای جبران کمبود منابع مالی و ادامه بحران اقتصادی، سلطان قانصوه غوری خود برای افزایش درآمد پیشگام شد و شیوه سلاطین پیشین و از جمله سلطان برسبای (۸۲۵-۸۴۱ق) را در احتکار و فروش کالا در پیش گرفت. وی گندم را از بازارهای مصر می‌خرید و در سرزمین‌های شام به فروش می‌رساند، اما این کار سبب کمبود نان و گندم در مصر و افزایش بهای آنها شد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۴).

فعالیت پرتغالی‌ها در سواحل یمن و دریای سرخ نگران‌کننده بود؛ آنان با هجوم به کشتی‌ها کالاها را می‌ربودند. احتمال هجوم آنان به جدّه، همه را به هراس انداخته بود (۹۱۹ق). سلطان مملوکی در هراس و نگرانی ناشی از شرایط پیش‌آمده، دستور اعزام کشتی‌سازان و تفنگ‌داران به سوئز را برای ساخت کشتی‌ها و سپس مقابله با پرتغالی‌ها صادر کرد، بی‌آنکه هزینه سفر را به آنان بپردازد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۰۸/۴). این در شرایطی بود که پرداخت هزینه سفر جنگی، همواره مرسوم بود و منابع دوره مملوکی بر آن تاکید دارند (ن.ک. به: مقریزی، ۱۹۹۷: ۳۹۲/۷). با این اوصاف، دولت ممالیک در این هنگام با وجود تلاش برای کسب درآمد از راه‌های قانونی و غیرقانونی، توان پرداخت چنین هزینه‌ای را نداشت؛ نکته مهمی که ابن‌ایاس بدان توجه داشته است. به علت عدم دریافت مقرری، سپاهیان زبان به اعتراض گشودند و پس از بی‌تأثیر بودن اعتراض‌هایشان، به بازارها هجوم بردند که به معنی تشدید آشفتگی اوضاع شکننده دولت ممالیک در این زمان بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۱۲/۴-۳۱۳).

اقدامات از سر اضطرار و همراه با شکست ممالیک در شرایط بفرنج اقتصادی آنان برای

رفع مقطعی مشکلات نیز از منظر صاحب بدائع الزهور فی وقایع الدهور برکنار نمانده است. بنا بر گزارش ابن‌ایاس، سلطان مملوکی برای دست یافتن به درآمدی حداقلی برای تأمین مالی دولت، درصدد برآمد خرید و فروش نمک را در انحصار خود بگیرد و حتی بهای آن را به ۸۰۰ درهم در هر «اردب»^۱ برساند. این در شرایطی بود که از نظر ابن‌ایاس، مالیات گیرندگان نیز بر مردم ستم روا می‌داشتند و بر آشفتگی اوضاع و گسترش دامنه نارضایتی‌ها می‌افزودند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۵۷/۴). ضرب سکه با عیار پایین نیز از جمله اقدامات همراه با ناکامی دیگر ممالیک در مواجهه با مشکلات مالی و اقتصادی در این مقطع تاریخی بود که از نظر ابن‌ایاس به دور نمانده است. بنا بر گزارش ابن‌مورخ، در سال ۹۱۹ق. ضرب سکه جدید دو بار پی‌درپی (که تورم و افزایش قیمت را به دنبال داشت) و پرداخت ۳۰ دینار به هر مملوک نیز تأثیری در کاهش اعتراض آنان نداشت و سلطان از بیم گسترش آشوب، به‌ناگزیر سفر جنگی را لغو کرد؛ این در حالی بود که شهر قاهره همچنان شرایط ملتهبی را تجربه می‌کرد و به دنبال آن، بازارها مورد هجوم سربازان ممالیک قرار گرفت و ناامنی تا بدان حد افزایش یافت که حتی شرایط برای برگزاری جشن‌های عید قربان، به خاطر این ناآرامی‌ها وجود نداشت و برگزار هم نشد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۵۵/۴).

براساس سیاق گزارش‌های ابن‌ایاس، مجموعه مصائب و مشکلات اقتصادی و سیاسی دولت ممالیک در اواخر عمر آن، این مهم را نشان می‌دهد که او بر تأثیر منفی تغییر مسیرهای بازرگانی جهانی و خارج شدن مصر و قلمرو ممالیک از آن توجه داشته است. از این رو، نتیجه مسدود شدن مسیر بازرگانی به مصر را در آغاز سال ۹۲۰ق. چنین به قلم آورده است: «حدود شش ماه است که گروهی از ممالیک گوشتی دریافت نکردند، اعتراض به سلطان زیاد است و احتمال بالا گرفتن فتنه وجود دارد. در این روزها دیوان‌ها در نهایت آشفتگی و تعطیل هستند، بندر اسکندریه ویران است و در سال‌های اخیر هیچ کشتی‌ای وارد این بندر نشده است. بندر جدّه نیز به علت هجوم فرنگی‌ها ویران است و در شش سال اخیر هیچ کشتی‌ای با کالا وارد این بندر نشده است. بندر دمياط^۲ هم چنین وضعی دارد» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۵۸/۴-۵۹). با توجه به وابستگی اقتصاد قلمرو ممالیک به تجارت و بازرگانی مسیرهای تجاری جهانی شرق به غرب منتهی به مصر، توجه ابن‌ایاس به تأثیر کاهش تجارت از این مسیر و تأثیرات آن بر جامعه مصر قابل تأمل است.

۱. هر اردب برابر با ۶۹/۶ کیلوگرم بود. (عامر، ۱۴۱۸: ۷۵).

۲. از شهرهای قدیمی مصر که در ساحل نیل قرار دارد (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۴/۲).

بنا بر گزارش وی، در این زمان بهای کالاها در حال افزایش بود و ممالیک (نظامیان و سربازان عصیانگر مملوکی) که در شرایط ناگواری قرار گرفته بودند، علاوه بر بازار قاهره، به خانه‌های امرا نیز هجوم می‌بردند و آنجا را غارت می‌کردند و حتی تعدادی از خانه‌ها را نیز به آتش کشیدند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۴). بدین ترتیب، نابسامانی نه تنها شهرها بلکه روستاها را فرا گرفته بود؛ تا جایی که کشاورزان به علت سنگینی مالیات از روستاها می‌گریختند و زمین‌ها بدون کشت رها شده و ویران شده بودند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۴۲۸/۴).

بنا بر آنچه ابن‌ایاس از رخدادهای مربوط به این دوره ارائه داده، به واسطهٔ تعدد و پیوستگی آشوب‌ها، سلطان به‌ناچار تعدادی از وزرا را بنا به درخواست شورشیان برکنار کرد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۵/۵-۶)، اما این تغییرات تأثیری نداشت و شورشیان به آسیاب‌ها هجوم و غیر از حیوانات، گندم و آرد را نیز به غارت بردند و به دنبال آن، آسیاب‌ها از فعالیت باز ایستادند که نتیجهٔ آن کمبود آرد و نان و آشکار شدن قحطی بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۸/۵). با همهٔ این احوال و اوضاع نامساعد، دولت فشار بر روستاییان را افزایش داد؛ تا جایی که از روستاهای کوچک ۱۰۰ دینار و ۲ اسب و از روستاهای بزرگ ۲۰۰ دینار و ۴ اسب به عنوان مالیات درخواست شد. این امر سبب شد کشاورزان باقیمانده در روستاها زمین‌های زراعی را رها کنند و درصدد مهاجرت برآیند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۱/۵). با این اوصاف، بنا بر گزارش‌های ابن‌ایاس این مشکلات موجب نشده بود تا سلطان مملوکی از مسئلهٔ پرتغالی‌ها غافل شود؛ تا جایی که با وجود آشفتگی امور داخلی، سلطان در اندیشهٔ مقابله با پرتغالی‌ها بود که عامل اصلی این آشفتگی محسوب می‌شدند. از این رو، بیست کشتی مجهز به سلاح جنگی -از جمله توپخانه- و دوهزار نیرو برای جنگ با این دشمنان آماده حرکت شدند و دولت هم با همهٔ مشقات ۵۰ دینار به هر فرد از سپاه اعزامی پرداخت کرد (همو: ۱۴۰۴: ۴۵۵/۵).

مطلب مهم تاریخی دیگری که در گزارش‌های ابن‌ایاس مربوط به این ایام آمده، توجه وی به بندر مهم اسکندریه است. بندر مهم و بزرگ اسکندریه که پیش از این کانون تجاری شرق و غرب به شمار می‌رفت (Ashtor, 1984: 487)، در این زمان عملاً به ویرانه‌ای تبدیل شد و به همین دلیل هیچ تاجر مهم مسلمان یا فرنگی در شهر حضور نداشت و با وجود آنکه تعدادی از مغازه‌ها باز بودند و به فعالیت خود ادامه می‌دادند، اما بسیاری از مغازه‌های آن تعطیل شدند و حتی نان در شهر یافت نمی‌شد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۴۲۴/۴). ابن‌ایاس در گزارشی دیگر، به برخی

عوامل از رونق افتادن بنادر تجاری ممالیک مانند جدّه و اسکندریه پرداخته و دلیل آن را افزایش دو برابری مالیات وضع شده توسط دولت ممالیک عنوان کرده است؛ امری که به زعم ابن‌ایاس موجب دلسردی معدود بازرگانانی شده بود که درصدد استفاده از این بنادر بودند، اما با افزایش مالیات از ورود به این بنادر امتناع کردند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۹۰/۵). نکته قابل‌اعتنای دیگر اینکه مقایسه آگاهانه ابن‌ایاس پس از گزارش ویرانی شهر اسکندریه، با شکوه و بزرگی و رونق این بندر در ادوار گذشته، به نظر می‌رسد که با هدف ترسیم عینی میزان خرابی و ویرانی بندر اسکندریه انجام شده است (همان، همان‌جا).

نکته مهم دیگر در گزارش ابن‌ایاس درباره ویرانی بندر اسکندریه، این است که اگرچه وی به دلایل آن در این زمان، به جز بحث افزایش بی‌رویه مالیات، به صورت آشکار اشاره نکرده، اما روند ارائه گزارش‌های وی درباره مهم‌ترین وقایع و تحولات این دوره، نشان می‌دهد که او علت ویرانی بندر مهمی مانند اسکندریه را مسدود شدن راه‌های تجاری منتهی به مصر توسط پرتغالی‌ها (و در اصل، همان تغییر مسیر تجارت جهانی در این زمان) و عدم ورود کالاهای تجاری به مصر دانسته است که وی در بیان رخداد‌های آغازین سال ۹۲۰ق. به آن اشاره کرده بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۵۹/۴). ابن‌ایاس در سال ۹۲۰ق. چندین گزارش درباره آشوب ممالیک ارائه داده که علت همه آنها عدم دریافت حقوق یا جیره غذایی سپاهیان عنوان شده است (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۵۷/۴ به بعد). شورش‌های نظامیان به امری مرسوم تبدیل شده بود و حتی سربازانی که برای مقابله با هجوم عثمانی‌ها به حلب اعزام شده بودند، به روستاییان حمله می‌کردند و چهارپایان‌شان را می‌ربودند. از این رو، سپاهیان که برای مقابله با عثمانیان راهی شامات شده بودند، در شهرها نیز ویرانی بسیاری به بار آوردند؛ تا جایی که شهر مهمی مانند حلب از غارتگری‌های سپاهیان مملوکی آسیب بسیار دید (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۴۳۲/۴). جالب توجه اینکه ابن‌ایاس به ریشه‌یابی موشکافانه این رفتار سپاهیان مملوک در آن شرایط بحرانی پرداخته و بیان کرده است که آشوبگری این گروه‌های مملوکی، در شرایطی رخ می‌داد که این سپاهیان در تنگنای شدید مالی قرار گرفته بودند؛ تا جایی که برخی از آنها به ناچار حتی اسب، سلاح و لباس‌های خود را برای تأمین غذا فروختند (همان، همان‌جا). ابن‌ایاس به موازات گزارش این وقایع در شامات، رخداد‌های مشابه در قاهره را نیز به تصویر کشیده است؛ تصویری که نشان می‌دهد پایتخت نیز به شکلی مشابه درگیر مشکلات مشابه بود. بنا بر گزارش ابن‌ایاس در این

زمان، در قاهره نیز اموال و دارایی تعدادی از ثروتمندان مصادره شد تا صرف پرداخت به سربازان ممالیک شود، اما پرداخت به همه آنان ممکن نشد و از این رو، به شیوه مرسوم خود مغازه‌ها را مورد غارت قرار دادند (۹۲۱ق). غارت‌شدگان و به‌ویژه تجار از سر بی‌پناهی و ناامیدی به قضات شکایت کردند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۴/۴۴۴، ۴۶۵-۴۶۶)؛ این در حالی است که قضات هم برای صدور احکام رشوه می‌گرفتند (همو، همان، ۴۷۱).

گزارش همراه با ارزیابی و به عبارتی تحلیل ابن‌ایاس از فرمانروایی قانصوه غوری پس از تقبل شکست از سوی وی در جنگ «مرج دابق» که با پایان دادن به دوره حکومت وی در سال ۹۲۲ق. همراه شد، حائز نکاتی است که البته بی‌ارتباط با مسئله ورود پرتغالی‌ها به اقیانوس هند و مسدود شدن مسیر بازرگانی در این دوره نیست. ابن‌ایاس در بیانی مختصر، اما همراه با اشاره به کلیت مسائل تاریخی این دوره و متأثر از آن، از کم و کیف ملکداری قانصوه غوری و درباره وی به این شکل قضاوت خود را بیان کرده است که: «آغاز دولتش با مصادره‌ها، ظلم و گرفتن اموال به ناحق و پایان دولتش با ربودن اموال و کشتن انسان‌ها و آشوب‌های بی‌پایان همراه بود» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۰/۵-۱۰۲). شکست ممالیک در جنگ مرج دابق از سپاه عثمانی نیز سبب حادثه شدن اوضاع شد؛ مطلبی که در گزارش ابن‌ایاس از تحولات این دوره، از نظر وی مغفول نمانده است. بنا بر گزارش او، دولتمردان ممالیک این بار حتی از فروش میوه‌ها هم مالیات می‌گرفتند و در اقدامی نامتعارف و به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برای ابزار و آلات جنگی و آمادگی برای مقابله با یورش عثمانیان به مصر، مالیات غلات را هم از فروشنده می‌گرفتند و هم از خریدار. ابن‌ایاس همچنین تأکید کرده که در این هنگام مالیات‌هایی از سوی حاکمان مملوکی وضع شد که پیش از این سابقه نداشت و حتی برخی افراد مشهور بر اثر شدت شکنجه در زندان برای مصادره اموال درگذشتند (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۹۰/۵). این توصیف‌های دقیق ابن‌ایاس از شرایط، نشان می‌دهد که چگونه دولت ممالیک در آن اوضاع، عمدتاً به دلیل همراهی نکردن مردم با آنها، در مقابل سپاهیان عثمانی توانست مقاومت لازم را به عمل آورد؛ درحالی‌که عثمانی‌ها در عمق قلمرو عثمانی و با طی مسیری طولانی و البته دشوار، خود را به مصر و قاهره رسانده بودند. توصیف ابن‌ایاس از شرایطی که «طومان بای» آخرین سلطان ممالیک (حک: ۹۲۲-۹۲۳ق) در آن به حکومت رسید نیز می‌تواند جالب توجه باشد؛ ابن‌ایاس تأکید کرده است که طومان بای هنگامی به قدرت رسید که خزانه خالی و سپاهیان نافرمان و سلطان

عثمانی بر شام مسلط و آماده هجوم به مصر بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۰۳/۵). نوع توصیف وی و قرار دادن این مشکلات در کنار حضور سلطه‌جویانه سلطان سلیم اول به همراه سپاهیان عثمانی در شام، نشان می‌دهد که ابن‌ایاس چندان به آینده مالیک خوشبین نبود؛ امری که در نهایت و در واقع نیز محقق شد.

سقوط مالیک در سال ۹۲۳ق/۱۵۱۷م. و رخدادهای مرتبط با پرتغالی‌ها در گزارش‌های متأخر ابن‌ایاس

از بررسی کلی گزارش‌های ابن‌ایاس درباره رویدادهای پس از برافتادن دولت مالیک، چنین برمی‌آید که تعداد گزارش‌های وی پس از سقوط مالیک (۹۲۳ق/۱۵۱۷م) در *بدائع الزهور فی وقایع الدهور*، در مقایسه با ایام پیش از برافتادن این سلسله، کاهش چشمگیری داشته است. وی در نخستین گزارش خود پس از سقوط مالیک در سال ۹۲۳ق. به بازگشت سلمان عثمانی یکی از دو فرمانده سپاه اعزامی برای مقابله با پرتغالی‌ها، اشاره کرده است که پس از اختلاف با فرمانده دیگر یعنی حسین و قتل او که حاکم جدّه هم بود، به قاهره برمی‌گردد (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۵). البته پیش از این، ابن‌ایاس شکست فاحش آنان از پرتغالی‌ها و به غارت رفتن کشتی‌هایشان و تکدر خاطر سلطان را بیان کرده بود (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۴). دومین گزارش ابن‌ایاس درباره پرتغالی‌ها در این دوره، حدود یک سال پس از گزارش نخست است: «در جمادی‌الآخر سال ۲۲۴ کشتی‌های دزدان اروپایی در دریای سرخ در تردد می‌باشند و راه کشتی‌های تجاری را می‌بندند. حاکم جدّه گزارشی برای حاکم مصر ارسال کرد و از او درخواست اعزام نیرو کرد؛ چون ترس از حمله ناگهانی به جدّه افزایش یافت و ساکنان مسلمان قادر به دفع آنان نبودند» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۲۶۲/۵).

آخرین رخدادی که ابن‌ایاس درباره فعالیت‌های پرتغالی‌ها در *بدائع الزهور فی وقایع الدهور* بیان کرده، مربوط به رمضان سال ۹۲۵ است که طی آن آورده است: «حدود چهل کشتی اروپایی در نزدیکی جدّه در دریای سرخ در حال هجوم به کشتی‌های تجاری هستند. حاکم مصر با شنیدن این خبر، سیصد نفر را به همراه کشتی‌های حجاجی که قصد حج داشتند، برای استقرار در شهر جدّه و مقابله با پرتغالی‌ها اعزام کرد» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۱۲-۳۱۳). بنا بر این گزارش، این سپاه در بیست و هشتم همین ماه، یعنی ماه رمضان به سمت سوئز حرکت کردند تا به مقابله

با مهاجمان اروپایی بیردازند که براساس گفته ابن‌ایاس، «این روزها از حملات اروپاییان که در بندر جده به تاجران هجوم می‌برند، زیاد صحبت می‌شود» (ابن‌ایاس، ۱۴۰۴: ۳۱۶/۵). به نظر می‌رسد این آخرین گزارش ابن‌ایاس درباره پرتغالی‌ها و حضور آنها در شبه‌جزیره عربستان و دریای سرخ است و با اینکه کتاب بدائع الزهور فی وقایع الدهور تا حوادث پایان سال ۹۲۸ق. را در بردارد، اما نویسنده پس از سال ۹۲۵ق. اشاره‌ای به حضور و فعالیت پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و جهان اسلام ندارد.

نتیجه‌گیری

حضور پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و مسدود کردن انتقال کالا از مسیر دریای سرخ و مصر به غرب، سبب بروز بحران اقتصادی در مصر و ضعیف شدن دولت ممالیک برجی (۷۸۴-۹۲۳ق) شد. ابن‌ایاس مورخ مشهور مصری (۸۵۲-۹۲۸ق) که همزمان با این رخداد زندگی می‌کرد، در اثر معروف خود بدائع الزهور فی وقایع الدهور به ارائه گزارش این رویداد و تأثیر آن بر دولت و جامعه مصر پرداخته است. با وجود اهمیت حضور پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و انتقال کالا از مسیر دماغه امیدنیک، ابن‌ایاس هفت سال پس از حضور پرتغالی‌ها در اقیانوس هند، یعنی در سال ۹۱۱ق، به ارائه نخستین گزارش در اثرش پرداخت. به نظر می‌رسد این تأخیر بدان علت بود که پرتغالی‌ها هنوز وارد دریای سرخ نشده بودند و مسیر مذکور را مسدود نکردند و با وجود کاهش درآمد ممالیک، همچنان انتقال کالا از طریق مصر به غرب ممکن بود، اما پس از وقوع درگیری‌ها بین ممالیک مصر و پرتغالی‌ها و برتری پرتغالی‌ها و ورودشان به دریای سرخ و ممانعت از انتقال کالا به مصر و عدم دریافت عوارض و مالیات گمرکی و بروز مشکلات مالی، ابن‌ایاس به ارائه گزارش پرداخت. با وجود این، به تفصیل و جزئیات جنگ سرنوشت‌ساز دیو در سواحل هند (۹۱۵ق) که به شکست قطعی سپاه ممالیک و تسلط کامل پرتغالی‌ها بر اقیانوس هند و دریای سرخ منجر شد، نپرداخته است؛ شکستی که سبب ورشکستی اقتصاد ممالیک و وقوع بحران سیاسی و اجتماعی شد. البته گزارش‌های بسیاری درباره وضعیت مصر و به‌ویژه قاهره که ناشی از عواقب نبرد مذکور بود، ارائه داده است. نافرمانی و شورش سربازان ممالیک و غارت بازارها به علت عدم دریافت حقوق و مستمری، ناتوانی دولت از تأمین بودجه برای سپاهیان اعزامی به جنگ با پرتغالی‌ها، افزایش مالیات بر تجار و بازاریان و کشاورزان،

فرار کشاورزان از روستاها، وضع مالیات‌های جدید که قبلاً سابقه نداشت، ضرب سکه با عیار کم، احتکار و گران‌فروشی توسط خود سلطان، ویرانی بنادر و عدم ورود کشتی‌ها و تجارت به بنادر، مصادره اموال و زندانی و شکنجه کردن و حتی کشتن افراد متمول برای تأمین منابع مالی، از جمله گزارش‌های ناشی از توقف انتقال و ترانزیت کالا به مصر است که ابن‌ایاس پس از نبرد دیو در بدائع الزهور آورده است.

منابع و مآخذ

الف. کتب و مقالات

- اباضه، فاروق عثمان [بی‌تا]، اثر تحول التجارة العالمية إلى رأس الرجاء الصالح على مصر و عالم البحر المتوسط أثناء القرن السادس عشر، الاسكندرية: دار المعارف.
- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، الكامل فی التاريخ، ج ۱۲، بیروت: دار صادر.
- ابن‌ایاس، محمد بن احمد (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، حققها و کتب لها المقدّمه و الفهارس: محمد مصطفی، ج ۱، ۲، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م)، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، حققها و کتب لها المقدّمه و الفهارس: محمد مصطفی، ج ۳، ۴، ۵، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ابن‌تغری بردی، جمال‌الدین یوسف [بی‌تا]، حوادث الدهور فی مبدی الايام و الشهور، تحقیق محمد کمال‌الدین عزالدین، ج ۲، بیروت: عالم الکتب.
- ابن‌صیرفی، الخطیب الجواهری علی بن داوود (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م)، انباء الهصر بانباء العصر، مهمنا، احمد مهمنا، بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله عطا (۱۹۵۳)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، تصحیح محمد عبدالقادر، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الخالدی، فاضل عبداللطیف (۱۹۷۴م)، «ابن‌ایاس المصری و منهجه فی البحث التاريخی»، مجلة التاريخیه، العدد ۳، صص ۲۵۹-۲۸۸.
- خیراندیش، رسول (۱۳۸۱)، «برتغالی‌ها و اقتصاد دریایی ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴، صص ۸۵-۹۴.
- الزامل، محمد فتحي (۲۰۰۸م)، التحولات الاقتصادية فی مصر اواخر العصور الوسطی، القاهرة: المجلس الاعلی للثقافة.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م)، الاعلام قاموس، ج ۶، بیروت: دار العلمیه للملایین.
- طحطوح، حسین علی (۱۴۰۱ق)، العلاقات التجارية بين مصر و الهند، مجلة ابحاث كلية التربية الاساسية،

- جامعة الموصل، المجلد ١، العدد ٣، صص ١١٢-١٤١.
- عاشور، سيد عبدالفتاح [بى تا]، مصر و شام فى عصر الايوبيين و المماليك، دار النهضة العربية.
 - عامر، محمود على (١٩١٨ق/١٩٩٧م)، المكاييل و الاوزان و التقود، دمشق: مطبعة ابن حيان.
 - العبادى، احمد مختار (١٩٦٨م)، داراسات فى التاريخ المغرب و الاندلس، الاسكندرية: مؤسسة شباب الجامعة.
 - عبدالدائم، عبدالعزيز محمود (١٩٩٦)، مصر فى عصر المماليك و العثمانيين، قاهره: جامعة القاهرة، مطبعة نهضة الشرق.
 - العريس، محمد (٢٠٠٦م)، موسوعة التاريخ الاسلامى؛ العصر المملوكى، بيروت: منشورات دار اليوسف.
 - فروخ، عمر (١٩٨٤م)، تاريخ الادب العربى، ج ٣، بيروت: دار العلم للملايين.
 - فكرت، محمد آصف (١٣٨٣)، «ابن‌ایاس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ج ٣، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
 - قاسم، قاسم عبده (١٩٩٨م)، التاريخ السياسى و الاجتماعى لسلاطين المماليك، القاهرة: عين للدراسات و البحوث الاجتماعية.
 - قلقشندى، احمدبن على [بى تا]، صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء، تحقيق يوسف على، بيروت: دار الكتب العلمية.
 - گلاب، جان باكت (١٣٨٦ش)، سربازان مزدور، ترجمه مهدي گلجان، تهران: اميركبير.
 - متولى، احمدرضا (١٤٠٢ش)، «كشف دماغه اميدنيك و تأثير آن در اقتصاد مصر دوره مماليك برجى»، مطالعات تاريخى جهان اسلام، س ١١، ش ٢٥، صص ٧٤-٨٩ doi: 10.22034/mte.2021.6955.1156
 - مصطفى، عبدالعظيم، ايمان و طارق ابوالوفا محمد (٢٠٢١م)، «ديو البحرية (٩١٥ق/١٥٠٩م) و أثرها فى انهيار دولة سلاطين المماليك»، مجلة البحث العلمى فى الآداب (العلوم الاجتماعيه و الانسانيه)، جامعة عين شمس، العدد الثانى و العشرون، صص ٥٤-٧٩.
 - مقرزى، تقى الدين احمدبن على (١٩٨٠م)، اغاثة الأمة بكشف الغمة، بيروت: مؤسسة الناصر للثقافة.
 - (١٩٩٨م/١٤١٨ق) الخطط المقرزیه، ج ١٥، بيروت: دار الكتب العلمية.
 - (١٩٩٧م)، السلوك لمعرفة الدول المملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، ج ٧، بيروت: دار الكتب العلمية.
 - نبراوى، رأفت محمد (١٩٩٦م)، التقود الاسلامية فى مصر: عصر دولة المماليك الجراكسه، قاهره: مركز الحضارة العربية للاعلام و النشر.
 - ويت، گاستون (١٣٦٥ش)، قاهره شهر هنر و تجارت، ترجمه محمود محمودى، تهران: علمى و فرهنگى.
 - هايد، ف. (١٩٨٥م)، تاريخ التجارة فى الشرق الأدنى فى العصور الوسطى، ترجمه عزالدين فوده، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
 - يحيى بن حسين (١٩٦٨م)، غاية الأمانى فى أخبار القطر اليماني، حققه سعيد عبدالفتاح عاشور، مراجعه محمد مصطفى زياده، قاهره: مصر.
 - ياقوت حموى (١٣٩٧ق/١٩٧٧م)، معجم البلدان، ج ٥، بيروت: دار صادر.

ب. منابع لاتین

- Ashtor (1984), *Levant trade in the later middle Ages*, Princeton: Princeton University Press.

List of sources with English handwriting

- Abāzah, Fārūq ‘Uthmān (n.d.), Athar taḥawwul al-tijārah al-‘ālamīyyah ilā Rās al-Rajā’ al-Ṣālīḥ ‘alā Miṣr wa-‘Ālam al-Baḥr al-Mutawassiṭ athnā’ al-qam al-sādis ‘ashar, al-Iskandariyyah: Dār al-Ma’ārif. [In Persian]
- Ashtor, *Levant trade in the later middle Ages*, Princeton University Press, 1984. [In Persian]
- Ibn al-Athīr, ‘Izz al-Dīn Abū al-Ḥasan (1402/1982), al-Kāmil fī al-tārīkh, Volume 12, Bayrūt: Dār Ṣādir. [In Persian]
- Ibn Iyās, Muḥammad b. Aḥmad (1404/1984), Badā’i’ al-zuhūr fī waqā’i’ al-duhūr, ḥaqqāqahā wa kataba lahā al-muqaddimah wa al-fahāris: Muḥammad Muṣṭafā, Volume 1-3, al-Qāhirah: al-Hay’ah al-Miṣriyyah al-‘Āmmah lil-Kitāb. [In Persian]
- Ibn Iyās, Muḥammad b. Aḥmad (1402/1982), Badā’i’ al-zuhūr fī waqā’i’ al-duhūr, Volume 1-2, same details. [In Persian]
- Ibn Taghribirdī, Jamāl al-Dīn Yūsuf (n.d.), Ḥawādiṭh al-duhūr fī madā al-ayām wa al-shuhūr, taḥqīq: Muḥammad Kamāl al-Dīn ‘Az al-Dīn, Volume 2, Bayrūt: ‘Ālam al-Kutub. [In Persian]
- Ibn Ṣayrafi, al-Khaṭīb al-Jawāharī ‘Alī b. Dāwūd (1418/1998), Abnā’ al-‘aṣr bi-akḥbār al-‘aṣr, Mu’minā, Aḥmad Mu’minā, Bayrūt: Dār al-Bashā’ir al-Islāmiyyah. [In Persian]
- al-Khālidi, Fāḍil ‘Abd al-Laṭīf (1974), “Ibn Iyās al-Miṣrī wa-manhajuhu fī al-baḥṭh al-tārīkhī”, al-Majallah al-Tārīkhīyyah, no. 3, pp. 259–288. [In Persian]
- Khayrāndīsh, Rasūl (1381), “Portughāliyyā wa iqtisād-i daryā’i-yi Īrān”, Pazhūhishnāmah-i ‘Ulūm-i Insānī, no. 34. [In Persian]
- al-Zāmel, Muḥammad Faṭḥī (2008), al-Taḥawwulāt al-iqtisādiyyah fī Miṣr awākhir al-‘uṣūr al-wustā, al-Qāhirah: al-Majlis al-A’lā lil-Thaqāfah. [In Persian]
- Zarkalī, Khayr al-Dīn (1980), al-A’lām, Volume 6, Bayrūt: Dār al-‘Ilm lil-Malāyīn. [In Persian]
- Ṭaḥṭūḥ, Ḥusayn ‘Alī (1401), al-‘Alāqāt al-tijārīyah bayna Miṣr wa al-Hind, Jāmi’at al-Mawṣil, Majallat Abḥāth Kulīyyat al-Tarbiyyah al-Asāsiyyah, vol. 1, no. 3, pp. 112–141. [In Persian]
- ‘Āshūr, Sayyid ‘Abd al-Fattāḥ (n.d.), Miṣr wa Shām fī ‘aṣr al-Ayyūbiyyīn wa al-Mamālīk, Dār al-Naḥḍah al-‘Arabiyyah. [In Persian]
- ‘Āmir, Maḥmūd ‘Alī (1418/1997), al-Makāyīl wa al-Awzān wa al-Nuqūd, Dimashq: Maṭba’at Ibn Ḥayyān. [In Persian]
- al-‘Abbādī, Aḥmad Mukhtār (1968), Dirāsāt fī tārīkh al-Maghrib wa al-Andalus, al-Iskandariyyah: Mu’assasat Shabāb al-Jāmi’ah. [In Persian]
- ‘Abd al-Dā’im, ‘Abd al-‘Azīz Maḥmūd (1996), Miṣr fī ‘aṣr al-Mamālīk wa al-‘Uthmāniyyīn, al-Qāhirah: Jāmi’at al-Qāhirah, Maṭba’at Naḥḍat al-Sharq. [In Persian]
- al-‘Arīs, Muḥammad (2006), Mawsū’at al-tārīkh al-islāmī, al-‘Aṣr al-Mamlūkī, Bayrūt: Manshūrāt Dār al-Yūsuf. [In Persian]
- Farrūkh, ‘Umar (1984), Tārīkh al-adab al-‘Arabī, vol. 3, Bayrūt: Dār al-‘Ilm lil-Malāyīn. [In Persian]
- Fikrat, Muḥammad Aṣīf (1383), “Ibn Iyās”, Dā’irat al-Ma’ārif-i Buzurg-i Islāmī, Volume 3,

- Tihṛān: Markaz-i Dā'irat al-Ma'ārif-i Buzurg-i Islāmī. **[In Persian]**
- Qāsim, Qāsim 'Abdah (1998), al-Tārīkh al-siyāsī wa al-ijtimā'ī li-salāṭīn al-Mamālīk, 1st ed., al-Qāhirah: 'Ayn li-l-Dirāsāt wa al-Buḥūth al-Ijtimā'īyah. **[In Persian]**
 - Qalqashandī, Aḥmad b. 'Alī (n.d.), Ṣubḥ al-A'shā fī Ṣinā'at al-Inshā', taḥqīq: Yūsuf 'Alī, Bayrūt: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. **[In Persian]**
 - Glubb, John Bagot (1386), Sarbāzān-i Muzdūr, tarj. Maḥdī Goljān, Tihṛān: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
 - Matwalī, Aḥmad Riḍā (1402sh), "Kashf Damāghah-yi Umīdnīk wa ta'thīr-i ān dar iqtisād-i Miṣr dar dawrah-yi Mamālīk-i Burjī", Muṭāla'āt-i Tārīkhī-yi Jahān-i Islām, vol. 11, no. 25, pp.74-89. **[In Persian]**
 - Muṣṭafā 'Abd al-'Azīm, Īmān; Ṭāriq Abū al-Wafā Muḥammad (2021), Dīw al-Baḥriyyah (915/1509) wa atharuhā fī inhiyār dawlat salāṭīn al-Mamālīk, Majallat al-Baḥth al-'Ilmī fī al-Ādāb, no. 22, Jāmi'at 'Ayn Shams, pp.54-79. **[In Persian]**
 - Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aḥmad b. 'Alī (1980), Ighāthāt al-ummah bi-kashf al-ghummah, Bayrūt: Mu'assasat al-Nāṣir lil-Thaqāfah. **[In Persian]**
 - Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aḥmad b. 'Alī (1418/1988), al-Khiṭaṭ al-Maqrīziyyah, Volume 15, Bayrūt: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. **[In Persian]**
 - Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aḥmad b. 'Alī (1997), al-Sulūk li-ma'rifat duwal al-mulūk, taḥqīq: Muḥammad 'Abd al-Qādir 'Aṭā, Volume 7, Bayrūt: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. **[In Persian]**
 - Nabarāwī, Rā'fat Muḥammad (1996), al-Nuqūd al-Islāmiyyah fī Miṣr: 'Aṣr Dawlat al-Mamālīk al-Jarākisah, al-Qāhirah: Markaz al-Ḥaḍārah al-'Arabiyyah. **[In Persian]**
 - Wīl, Gāstūn (1365), al-Qāhirah: Shahr al-Fann wa al-Tijārah, tarj. Maḥmūd Maḥmūdī, Tihṛān: 'Ilmī wa Farhangī. **[In Persian]**
 - Hāyd, F. (1985), Tārīkh al-tijārah fī al-Sharq al-Adnā fī al-'uṣūr al-wuṣṭā, tarj. 'Izz al-Dīn Fūdāh, al-Qāhirah: al-Hay'ah al-Miṣriyyah al-'Āmmah lil-Kitāb. **[In Persian]**
 - Yaḥyā b. Ḥusayn (1968), Ghāyat al-amānī fī akhbār al-qitr al-Yamānī, 1st ed., ḥaqqāqahu: Sa'īd 'Abd al-Fattāḥ 'Āshūr, murāja'ah: Muḥammad Muṣṭafā Ziyādah, al-Qāhirah: Miṣr. **[In Persian]**
 - Yāqūt Ḥamawī (1397/1977), Mu'jam al-buldān, Volume 5, Bayrūt: Dār Ṣādir. **[In Persian]**